

علم حدیث

۵۶

فصلنامه علمی - پژوهشی
سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹

جهاد ابتدایی در قرآن و سیره پیامبر
نوادیر حکیم میرداماد در علم الحدیث
تبارشناسی، مفهوم‌شناسی و ارزیابی احادیث و جوهیه
روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید
پژوهشی در باره خطبه‌های جمعه و عیدین
آموزه‌های دینی و نظریه برجسبازی
مآخذشناسی و ارزیابی سندی اصل نزول
درنگی در تأویل روایات
حجیت قول صحابه
پژوهش‌های حدیثی در دوره جمهوری ترکیه

فهرست مقالات

شماره	مقاله	نویسنده
۲	سر مقاله	
۶	جهاد ابتدایی در قرآن و سیره پیامبر	دکتر محمد هادی مفتاح
۳۰	نوادر حکیم میرداماد در علم الحدیث	سید مجتبی میردامادی
۳۳	تبارشناسی، مفهوم‌شناسی و ارزیابی احادیث و جوهیه	قاسم بستانی
۵۹	روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید	دکتر علی‌نقی خدایاری
۸۵	پژوهشی در باره خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی (ع)	حجت ذبیحی فر، مهدی مهریزی
۱۱۴	آموزه‌های دینی و نظریه برجسپ‌زنی...	محسن طوسی
۱۴۳	ماخذشناسی و ارزیابی سندی اصل نزول سوره هل اتی...	دکتر مهدی جلالی، فاطمه رضاداد
۱۷۱	درنگی در تأویل روایات	مجتبی مطهری (الهامی)
۲۰۶	حجیت قول صحابه	حسین تقی‌پور
۲۲۵	پژوهش‌های حدیثی در دوره جمهوریات ترکیه	بنیامین آرول، ترجمه و تحقیق: دکتر علی راد
۲۵۴	الخلاصة	حیدر المسجدی
۲۵۹	چکیده مقالات به انگلیسی	سید محمدعلی رشوی

قابل توجه نویسندگان محترم

- ۱- نشریه در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.
- ۲- مقاله‌ها به شرط پژوهشی و مستند بودن منتشر می‌شوند.
- ۳- مقاله ارسالی از ۲۵ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند.
- ۴- مقاله ارسالی، باید دارای مقدمه، فصل‌بندی مناسب، نتیجه و کتابنامه بوده، حروفچینی شده و بر بگنوی صفحه A4 همراه با لوح فشرده آن به دفتر مجله ارسال شود.
- ۵- مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف) چکیده فارسی مقاله، حداکثر ۶۵۰ کلمه و حتی الامکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب) واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آنها (حداکثر ۵ واژه).
 - ج) تعیین رتبه علمی نویسنده.
 - د) ارجاعات مطالب به صورت کتاب‌محور و در پایین صفحات آورده شود.
 - هـ) فهرست منابع در آخر مقاله، بر حسب حروف الفبایی، به شکل ذیل تنظیم گردد.
- ۶- الف) برای کتاب: نام کتاب، نام و نام خانوادگی نویسنده، مترجم، محل انتشار، ناشر، نوبت چاپ، تاریخ انتشار.
 ب) برای مقاله: عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده، نام نشریه، سال انتشار و شماره مجله.
- ۸- در ترجمه‌ها ارسال متن اصلی ضروری است.
- ۹- مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
- ۱۰- مقاله ارسالی در صورت تأیید یا عدم تأیید مسترد نمی‌گردد.
- ۱۱- مسؤلیت مقالات بر عهده نویسندگان است.

مآخذشناسی و ارزیابی سندی اصل نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت

دکتر مهدی جلالی*

فاطمه رضاداد**

چکیده:

اختلاف در باره اسباب نزول برخی آیات و سوره، از جمله مباحث مطرح در دانش اسباب نزول است. سوره ﴿هل اتی﴾ از جمله مهم‌ترین سوره اختلافی است که ارزیابی شأن نزول و شبهات پیرامونی آن، دآوری صحیح و نقادانه را می‌طلبد. در این نوشتار بر آنیم تا با مآخذشناسی و ارزیابی سندی روایات سبب نزول سوره انسان (دهر) بررسی نماییم که آیا بر خلاف ادعای کسانی چون ابن جوزی، احمد امین و... می‌توان به این نتیجه دست یافت که نزول سوره ﴿هل اتی﴾ در شأن اهل بیت^ع، نه اسطوره‌ای برساخته از سوی شیعیان، بلکه حقیقی است که اصالت و صحت سندی‌اش، بنابر میانی حدیث‌پژوهی عامه و خاصه قابل اثبات است؟

کلید واژه‌ها: اهل بیت^ع، سوره هل اتی، سبب نزول، روایات، صحت سندی.

درآمد

دیر زمانی است که از نزول آیات قرآن کریم می‌گذرد؛ کتاب مقدسی که رهنمودهایش تا ابد بشر را به خیر و راستی رهنمون خواهد بود. نزول بسیاری از آیات این کتاب الهی مسبوق به سبب و حادثه خاصی بوده است که دانستن آن، افزون بر این که ما را در فهم معنای صحیح آیه یاری می‌رساند، بعضاً از فضایل یا مساوی عده‌ای پرده برمی‌دارد. از مهم‌ترین این موارد، آیاتی چند از سوره مبارکه دهر است که به گواهی خاصه و عامه در شأن حضرت امیر^ع، حضرت فاطمه زهرا^ع و حسنین^ع نازل گردیده و گوشه‌ای از فضایل و مناقب آن بزرگواران را برای ما به تصویر می‌کشد.

در این میان، برخی چون ابن جوزی، ابن تیمیه، احمد امین مصری و... با طرح شبهاتی - که برخی رنگ افترا به خویش گرفته است - اصل نزول این سوره را در شأن اهل بیت^ع زیر سؤال می‌برند. شبهات مزبور را می‌توان در دو محور خلاصه کرد:

* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

مأخذ شناسی و ارزیابی سندی روایات نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع)

دکتر مهدی جلالی

استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه رضاداد

دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

اختلاف درباره اسباب نزول برخی آیات و سوره، از جمله مباحث مطرح در دانش اسباب نزول می باشد. سوره «هل اتی» از جمله مهمترین سوره اختلافی است که ارزیابی شأن نزول و شبهات پیرامونی آن، داوری صحیح و نقادانه را می طلبد. در این نوشتار بر آنیم تا با مأخذ شناسی و ارزیابی سندی روایات سبب نزول سوره انسان (دهر) بررسی نماییم که آیا بر خلاف ادعای کسانی چون ابن جوزی، احمد امین و ... می توان به این نتیجه دست یافت که نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع)، نه اسطوره ای بر ساخته از سوی شیعیان، بلکه حقیقتی است که اصالت و صحت سندی اش، بنابر مبانی حدیث پژوهی عامه و خاصه قابل اثبات است؟

کلید واژه: اهل بیت (ع)، سوره هل اتی، سبب نزول، روایات، صحت سندی.

مقدمه:

دیر زمانی است که از نزول آیات قرآن کریم می‌گذرد؛ کتاب مقدسی که رهنمود هایش تا ابد بشر را به خیر و راستی رهنمون خواهد بود. نزول بسیاری از آیات این کتاب الهی مسبوق به سبب و حادثه خاصی بوده است که دانستن آن، افزون بر این که ما را در فهم معنای صحیح آیه یاری می‌رساند، بعضاً از فضائل یا مساوی عده ای پرده بر می‌دارد. از مهمترین این موارد، آیاتی چند از سوره مبارکه دهر است که به گواهی خاصه و عامه در شأن حضرت امیر (ع)، حضرت فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) نازل گردیده و گوشه ای از فضائل و مناقب آن بزرگواران را برای ما به تصویر می‌کشد.

در این میان، برخی چون ابن جوزی، ابن تیمیه، احمد امین مصری و ... با طرح شبهاتی که بعضاً رنگ افترا به خویش گرفته است، اصل نزول این سوره در شان اهل بیت (ع) را زیر سوال می‌برند. شبهات مزبور را می‌توان در دو محور خلاصه کرد:

الف) ضعف سندی.

ب) ضعف محتوایی هم چون:

- وجود برخی اشعار رکیک و دور از فصاحت در این روایات^۱،
- تناقض مکی بودن سوره دهر با مدنی بودن سبب نزول^۲.

از آن جا که بزرگانی چون شیخ طبرسی در «مجمع البیان»، سید بن طاووس در «سعد السعود» و آیت الله میلانی در «تشیید المراجعات»، نیز محققانی چون دکتر صمد عبد اللهی عابد در شماره ۴۹ فصلنامه علوم حدیث، محور دوم را موضوع بحث قرار داده اند، ما همت خویش را مصروف محور نخست نموده و در پی آنیم تا با مآخذ شناسی و ارزیابی سندی این دسته از روایات، شبهات وارده در این محور را بررسی نماییم.

^۱ در پاسخ به این شبهه باید گفت که:

اولاً: این ابیات تنها در چند روایت از این مجموعه روایی قرار دارند و روایات قوی المتنی در دست است که هم از وجود این اشعار، عاری است و هم نزول این سوره در شان اهل بیت (ع) را اثبات می‌سازد.

ثانیاً: ممکن است رکاکت الفاظ و دوری آن‌ها از فصاحت لازم، ناشی از نقل به معنا و اشتباهات راویان در گذر زمان باشد.

ثالثاً: این گونه بیان در اشعار رجز گونه معمول بوده و حتی در اشعار شعرای بزرگ عرب نیز نظیر آن دیده می‌شود. (سبط بن جوزی، بی تا، ص ۳۱۵)

^۲ برای آگاهی از پاسخ این شبهه رجوع شود به: طبرسی، ۱۳۹۵ق، ۴۰۵/۱۰-۴۰۴؛ ابن طاووس، ۱۳۶۳، ص ۲۹۴-۲۹۱؛ امینی، ۱۹۷۷م، ۱۷۱/۳-۱۶۹.

شبهات پیرامون سند روایات دال بر نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع):

ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۹۶۶م، ۳۹۲/۱)، ابن کثیر (ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ۳۵۱/۵)، ابن تیمیه (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ۱۷۹/۷-۱۷۴) و ...، برخی روایات ضعیف سند یا ضعیف الدلاله در بیان سبب نزول سوره هل اتی را محور قرار داده و با خدشه وارد ساختن بر این روایات، اصل نزول این سوره را در شان اهل بیت (ع) اسطوره ای ساخته و پرداخته شیعیان دانسته و همه روایات مطرح در این عرصه را موضوع و مجعول خوانده اند. ابن تیمیه در این باره می نویسد: «ان هذا الحديث من الكذب الموضوع باتفاق أهل المعرفة بالحديث الذي هم أئمة هذا الشأن و حکامه و قول هؤلاء هو المنقول في هذا الباب و لهذا لم يرو هذا الحديث في شيء من الكتب التي يرجع إليها ... و غیرهم من العلماء الأكابر الذين لهم في الإسلام لسان صدق و تفاسیرهم متضمنة للمنقولات التي يعتمد عليها في التفسیر» و ابن جوزی می گوید: «هذا حديث لا يشك في وضعه».

در مقام بررسی این شبهات، بحث را در چهار محور دنبال می نماییم:

۱- مأخذ شناسی:

اگر با نگاهی منصفانه و به دور از تعصب به منابع متقدم عامه و خاصه بنگریم، در می یابیم که روایات بیانگر سبب نزول سوره دهر، یکسره از صدر تا ذیل^۱، مجعول و ساخته دست شیعیان نیست. زیرا منابع عامه، همواره پا به پای منابع خاصه به نقل این روایات همت گماشته اند:

برخی از مولفان مسلمان و منابع اسلامی بیانگر نزول سوره دهر در شان اهل بیت (ع):

الف) منابع اهل سنت:

۱- مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰هـ)، تفسیر، تحقیق أحمد فرید، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۲۴ق: ۴۲۸/۳.

۲- عمرو بن بحر الجاحظ (م. ۲۵۵هـ)، العثمانیه، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون، دار الكتاب العربی، بیروت، بی تا: ص ۳۱۹.

۳- محمد بن سلیمان کوفی (م. حدود ۳۰۰)، مناقب الامام امیر المومنین (ع)، تحقیق محمد باقر بهبودی، الطبعة الاولى، مجمع احیاء التراث الثقافی، قم، ۱۴۱۲ق: ۵۷/۱-۵۶، ۱۶۵-۱۶۲، ۱۸۶-۱۷.

۴- ابن عبد ربه مالکی اندلسی (م. ۳۲۸هـ)، العقد الفرید، دار الكتاب العربی، بیروت: ۹۳/۵.

^۱ گر چه احتمال دخل و تصرف یا کم و زیاد نمودن سبب نزول مزبور از جانب برخی روات منتفی نیست، لیکن این امر به اصل ماجرا خدشه ای وارد نمی سازد.

- ٥- قاضي نعمان مغربي (م.٣٦٣هـ)، *شرح الاخبار*، تحقيق سيد محمد حسيني جلالى، الطبعة الثانية، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٤ق: ٣٥٣/٢.
- ٦- سمرقندى (م.٣٧٥هـ)، *بحر العلوم*، تحقيق محمود مطرجى، دار الفكر، بيروت، بى تا: ٥٢٧/٣.
- ٧- ابن مردويه (م.٤١٠هـ)، *مناقب على بن ابيطالب (ع)*، تحقيق عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، الطبعة الثانية، دار الحديث، قم، ١٤٢٤ق: ص ٣٤١.
- ٨- ثعلبى (م.٤٢٧هـ)، *الكشف و البيان*، تحقيق ابى محمد بن عاشور، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ق: ١٠٢/١٠-٩٩.
- ٩- واحدى (م.٤٦٨هـ)، *اسباب نزول*، تحقيق كمال بسيونى زغلول، الاولى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١١ق: ص ٤٧٠.
- ١٠- حاكم حسانى (م.٤٧٠هـ)، *شواهد التنزيل*، تحقيق شيخ محمد باقر محمودى، الطبعة الاولى، مؤسسه الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى، تهران، ١٤١١ق: ٢١/١-١٨ و ٤٠٩/٢-٤٠٣.
- ١١- محسن بن كرامه (م.٤٩٤هـ)، *تنبيه الغافلين*، تحقيق السيد تحسين آل شبيب الموسوى، الطبعة الاولى، مركز الغدير، ١٤٢٠ق: ص ١٧٩.
- ١٢- بغوى (م.٥١٦هـ)، *معالم التنزيل*، به تحقيق خالد بن عبد الرحمان العك، دار المعرفه، بيروت، بى تا: ١٩١/٥.
- ١٣- ميدي (م.٥٢٠هـ)، *كشف الاسرار*، امير كبير، تهران، ١٣٦٣: ٣٢٠/١٠.
- ١٤- زمخشري (م.٥٣٨هـ)، *الكشاف عن حقائق غوامض التاويل*، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ق: ٦٧٠/٤.
- ١٥- خوارزمى (م.٥٦٨هـ)، *المناقب*، تحقيق شيخ مالك محمودى، الطبعة الثانية، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤١٤ق: ص ٢٦٩.
- ١٦- فخر رازى (م.٦٠٦هـ)، *مفاتيح الغيب*، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٠ق: ٢٤٦/٣٠-٢٤٣.
- ١٧- ابن عربى (م.٦٢٨هـ)، *تفسير*، تحقيق عبد الوارث محمد على، الطبعة الاولى، دار الكتب لعلميه، بيروت، ١٤٢٢ق: ٣٧٠/٢.
- ١٨- محمد بن طلحه شافعى (م.٦٥٢هـ)، *مطالب السؤل*، تحقيق ماجد بن احمد العطيعه، بى جا، بى نا، بى تا: ص ٤٠.
- ١٩- سبط ابن جوزى (م.٦٥٤هـ)، *تذكرة الخواص*، مكتبه نينوى الحديثه، تهران: ص ٣١٥.
- ٢٠- بياضوى (م.٦٨٥هـ)، *انوار التنزيل و اسرار التاويل*، دار الفكر، بيروت، بى تا: ٢٧١/٥.
- ٢١- نظام نيشابورى (م. بعد از ٧٢٨هـ)، *غرائب القرآن*، تحقيق شيخ زكريا عميرات، الطبعة الاولى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٦ق: ٤١٣/٦.

- ٢٢- حمويني خراساني (م. ٧٣٠هـ)، *فرائد السمطين*، تحقيق شيخ محمد باقر المحمودي، الطبعة الاولى، موسسه المحمودي للطباعة و النشر، بيروت، ١٤٠٠ق: ١٣٥/٢.
- ٢٣- غرناطي كلبى (م. ٧٤١هـ)، *التسهيل لعلوم التنزيل*، الطبعة الرابعة، دار الكتاب العربي، بيروت: ١٤٠٣ق: ١٦٧/٤.
- ٢٤- العيني (م. ٨٥٥هـ)، *عمده القاري*، دار احياء التراث العربي، بيروت: ٢٧٠/١٩.
- ٢٥- ابن دمشقي (م. ٨٧١هـ)، *جواهر المطالب*، تحقيق شيخ محمد باقر محمودي، الطبعة الاولى، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، قم، ١٤١٥ق: ٢٢١/١.
- ٢٦- سيوطي (م. ٩١١هـ)، *الدر المثور*، دار المعرفة للطباعة و النشر، بيروت: ٢٩٩/٦.
- ٢٧- كسفي ترمذي (م. ١٠٦١هـ)، *كوكب دري في فضائل علي (ع)*، تحقيق كوروش مرتضوي، چاپ اول، روزنه، تهران، ١٣٨٠ش: ص ٦٥.
- ٢٨- شوکانی (م. ١١٧٣هـ)، *فتح القدير*، دارابن كثير، دارالكلم الطيب، دمشق، ١٤١٤ق: ٣٤٨/٥.
- ٢٩- آلوسی (م. ١٢٧٠هـ)، *روح المعاني*، بی جا، بی نا، بی تا: ١٥٧/٢٩.
- ٣٠- قندوزی (م. ١٢٩٤هـ)، *ينابيع الموده*، تحقيق سيد جمال على الحسيني، الطبعة الاولى، دار الاسوه، ١٤١٦ق: ٢٧٩/١ و ٢٧٧/٢.

ب) منابع شيعة:

١. حبري كوفي (م. ٢٨٦هـ)، *تفسير*، تحقيق محمد رضا حسيني، موسسه آل البيت، ١٤٠٨ق.
٢. ابن الجحام (م. قرن ٤)، *تاويل ما نزل من القرآن في نبي و آله*، تحقيق فارس تبريزيان، مركز الابحاث العقائديه، بی جا، بی تا: ص ٤٤٢-٤٣٨.
٣. على بن ابراهيم قمي (م. ٣٢٩هـ)، *تفسير قمي*، تصحيح سيد طيب جزائري، الطبعة الثالثة، موسسه دار الكتاب، قم، ١٤٠٤ق: ٣٩٨/٢.
٤. فرات بن ابراهيم (م. ٣٥٢هـ)، *تفسير*، تحقيق محمد الكاظم، الطبعة الاولى، مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، تهران، ١٤١٠ق: صص ٥٢٦-٥١٩.
٥. صدوق (م. ٣٨١هـ)، *امالي*، تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه، الطبعة الاولى، مركز الطباعه و النشر في موسسه البعثه، ١٤١٧ق: ٣٢٩-٣٣٠.
٦. _____، *عيون اخبار الرضا*، تحقيق حسين اعلمي، الطبعة الولي، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت: ١٤٠٤ق: ٢٠٧/١-٢٠٥.
٧. _____، *كمال الدين و تمام النعمه*، تصحيح على اكبر غفاري، موسسه النشر الاسلامي، قم، ١٤٠٥ق: ص ٩٥.

٨. خزاز قمى (م. ٤٠٠هـ)، *كفايه الاثر*، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ق:ص ٢١٠.
٩. شيخ مفيد (م. ٤١٣هـ)، *الارشاد*، تحقيق موسسه آل البيت لاحياء التراث، الطبعة الثانية، دار المفيد للطباعة و التشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٣ق: ٢/٣٠-٢٩.
١٠. _____، *الافصاح*، الطبعة الثانية، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤ق: ١٦٢-١٦١ و ٢١١.
١١. _____، *مسار الشيعة*، تحقيق الشيخ مهدي نجف، الطبعة الثانية، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤ق: ص ٤٢.
١٢. ابو الفتح كراچكى (م. ٤٤٩هـ)، *التعجب*، تحقيق فارس حسون كريم، بى جا، بى نا، بى تا: ص ١١٩.
١٣. شيخ طوسى (م. ٤٦٠هـ)، *مصباح المتهدج*، الطبعة الاولى، موسسه فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١ق: ص ٧٦٨.
١٤. _____، *التبيان فى تفسير القرآن*، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، بى تا: ١٠/٢١١.
١٥. طبرسى (م. اوائل ق ٦)، *الاحتجاج*، تحقيق سيد محمد باقر خراسان، دار النعمان، بى تا: ٧٦/١.
١٦. فتال نيشابورى (م. ٥٠٨هـ)، *روضه الواعظين*، تحقيق سيد محمد مهدي خراسان، منشورات الرضى، قم: ص ٢٦٤-٢٦٠.
١٧. طبرسى (م. ٥٤٨هـ)، *مجمع البيان*، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٧٢: ١٠/٦١٢.
١٨. قطب الدين راوندى (م. ٥٧٣هـ)، *الخرائج و الجرائح*، تحقيق موسسه الامام المهدي، الطبعة الاولى، موسسه الامام المهدي (عج)، قم، ١٤٠٩ق: ٢/٨٩٠.
١٩. ابن شهر آشوب (م. ٥٨٨هـ)، *مناقب آل ابى طالب*، مطبعة الحيدريه ، النجف الاشرف ، ١٩٥٦م: ٣/١٤٩-١٤٧.
٢٠. ابن ادريس حلى (م. ٥٩٨هـ)، *السرائر*، الطبعة الثانية، موسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤١٠ق: ١/٤١٨.
٢١. ابن بطريق (م. ٦٠٠هـ)، *العمده*، موسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤٠٧ق: ص ٣٤٩-٣٤٥.
٢٢. _____، *خصائص الوحي المبين*، تحقيق شيخ مالك محمودى، الطبعة الاولى، دار القرآن الكريم، قم: ١٤١٧ق: ص ١٨٢-١٧٥.
٢٣. ابن طاووس (م. ٦٦٤هـ)، *اقبال الاعمال*، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، الطبعة الاولى، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٤ق: ٢/٣٧٧-٣٧٤.
٢٤. _____، *الطرائف*، الطبعة الاولى، مطبعة الخيام، قم، ١٣٩٩ق: ص ١١٠-١٠٧.

۲۵. _____، *سعد السعود*، منشورات الرضى، قم، ۱۳۶۳: ص ۱۴۴-۱۴۱ و ۲۹۱.
۲۶. اربلی (م. ۶۹۳هـ)، *كشف الغمه*، الطبعة الثانية، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق: ۳۰۷/۱.
۲۷. ابن جبر (ق ۷)، *نهج الايمان*، تحقیق سید احمد حسینی، الطبعة الاولى، مجتمع امام هادی (ع)، مشهد، ۱۴۱۸: ص ۱۷۵-۱۷۲.
۲۸. علامه حلی (م. ۷۲۶هـ)، *الرساله السعديه*، تحقیق عبد الحسین محمد علی، الطبعة الاولى، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ق: ص ۲۰.
۲۹. _____، *منتهی المطلب*، بی جا، بی نا، بی تا: ۶۱۲/۲.
۳۰. _____، *كشف المراد*، تحقیق آیت الله حسن زاده آملی، الطبعة السابعة، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق: ص ۵۲۵.
۳۱. علی بن یونس عاملی (م. ۸۷۷هـ)، *الصراف المستقیم*، تحقیق محمد باقر بهبودی، الطبعة الاولى، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۸۴: ۱/۱۸۴-۱۸۲ و ۲۵۸.
۳۲. محقق اردبیلی (م. ۹۹۳هـ)، *زیده البیان*، تحقیق محمد باقر بهبودی، مکتبه المرتضویه، تهران: صص ۴۲۴-۴۲۲.^۱
- اکنون پرسش مهم این است که آیا می توان همه اخبار بیانگر نزول سوره دهر در شان اهل بیت (ع) را در همه این منابع، جعل و نویسندگان آن ها را جعل و دروغ پرداز یا گزارشگر دروغ و جعل دانست؟ چنین امری معقول و منطقی نمی نماید و پاسخ به این پرسش، طبعاً منفی است.
- ۲- شهرت روایی و تواتر معنوی:**
- اگر سیر نقل روایات سبب نزول سوره دهر را در گذر زمان دنبال نماییم، در می یابیم که اصل نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع) که قدر مشترک همه اعضاء این خانواده حدیثی می باشد، با توجه به تعدد طرق نقل و کثرت راویان غالباً عامی مذهب آن در هر طبقه، از حد شهرت و استفاضه گذشته و به تواتر معنوی نزدیک گردیده است. لذا دیگر جایی برای تردید در صحت اصل این موضوع باقی نمی ماند. نمودار زیر

()

()

() :

نشاندهنده تعداد راویان این مجموعه روایی در هر طبقه است.^۱

نمودار طبقه بندی برخی راویان نزول سوره دهر در شان اهل بیت (ع):



^۱ برای تعیین طبقات، از کتاب های طرائف المقال بروجردی، لسان المیزان و تقریب التهذیب ابن حجر، تذکره الحفاظ و تاریخ اسلام ذهبی استفاده نموده ایم. ضمناً با توجه به این که با گذر زمان بر تعداد روایات آن در هر طبقه افزوده می شود، در نمودار مزبور، تنها طبقات روایات را تا اواخر قرن پنج دنبال نمودیم.

طبقه هفتم (حدود سال ۲۳۵-۲۰۰)

امام هادی (ع)، قاسم بن بهرام، احمد بن حماد المروزی، عبد الغنی بن سعید، حماد بن عیسی، هذیل بن حبیب، حکم بن مسکین، مامون بن هارون، حفص بن منصور العطار

طبقه هشتم (حدود سال ۲۷۰-۲۳۵)

امام عسگری (ع)، حسن بن مهران، محمد بن بحر، ابراهیم بن هاشم قمی، محبوب بن حمید القصری، شعیب بن واقد، عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب الخوارزمی، محمد بن ابراهیم بن محمد العلوی، حسن بن حسین العرنی، محمد بن النعمان بن السبیل، موسی بن بهلول، عثمان بن ابی شیبہ، محمد بن الحسین بن خطاب، احمد بن التعلبی، ثابت بن یعقوب، محمد بن خالد العباسی، احمد بن عبد الحمید، عثمان بن سعید العمری.

طبقه نهم (حدود سال ۳۰۰-۲۷۰)

محمد بن زکریا البصری، هاشم بن احمد بن معاویہ، عبد الرحمان بن فهد بن هلال، محمد بن یونس الکدیمی، حسن بن محمد بن بهرام، محمد بن احمد بن روح الطرطوسی، حسین بن حکم، جعفر بن محمد العلوی، بکر بن سهل.

طبقه دهم (حدود سال ۳۳۰-۳۰۰)

ابو محمد عبد الله بن ثابت المقری، محمد بن ابراهیم بن زکریا، ابو النظر العیاشی، محمد بن حفص الخنعمی، ابراهیم بن ابیطالب، احمد بن روح، فاطمه بنت محمد بن شعیب، محمد بن احمد بن سهیل بن علی، سعد بن عبد الله بن ابی خلف، حسن بن عبد الواحد، محمد بن احمد بن علی الهمدانی، حسین بن روح، محمد بن یعقوب کلینی، فرات بن ابراهیم کوفی، علی بن ابراهیم قمی، احمد بن محمد بن حسن بن الشرقی، علی بن الحسین بن بابویه.

طبقه یازدهم (حدود سال ۳۶۵-۳۳۰)

عبد العزیز بن یحیی، محمد بن ابراهیم بن اسحاق، احمد بن عبد الله المزنی، علی بن محمد بن عبید الله، محمد بن احمد بن سالم، ابو القاسم ماسرجسی، عمر بن احمد بن روح، عثمان بن احمد السماک الدقاق، محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار، احمد بن محمد بن ابی الثلج، عبد الرحمان بن محمد الحسنی، ابن ولید، احمد بن محمد بن الحسن القطان .

طبقه دوازدهم (حدود سال ۴۰۰-۳۶۵)

جعفر بن قولویه، حسن بن احمد بن الشیبانی العدل، عبد الله بن حامد ماهانی، شیخ صدوق، محمد بن موسی بن عبد، سلیمان بن احمد الطبرانی، احمد بن جعفر بن محمد بن سالم الختلی، ابو بکر محمد بن عبید الله

طبقه سیزدهم (حدود سال ۴۳۵-۴۰۰)

ابو نعیم اصفهانی، ابن مردویه، ابو القاسم القرظی، حاکم نیشابوری، ابو القاسم عبید الله بن محمد السقّطی، عقیل بن الحسین النسوی، علی بن الحسین بن القیّده، تعلی، شیخ مفید.

طبقه چهاردهم (حدود سال ۴۷۰-۴۳۵)

حاکم حسکانی، حسن بن علی جوهری، محمد بن علی بن البیع، احمد بن محمد بن عبد الله کانب، ابو علی حسن بن عبد الرحمان بن البیع.

۳- سند شناسی:

همان گونه که پیش از این گذشت، کسانی چون ابن جوزی، ضعف برخی روایات این مجموعه حدیثی را دستاویزی برای ردّ اصل قضیه قرار داده اند، در حالیکه:
اولاً: به فرض نبود روایات با سند صحیح، ضعف روایات ضعیف السند این مجموعه منجر به کثرت طرق نقل و شهرت روایی است.

ثانیاً: سند همه این روایات، ضعیف نیست و روایات صحیح السند و عالی المضمونی در این مجموعه روایی قرار دارند که به تنهایی مثبت اصل قضیه اند.

آن چه در ذیل می آید، تفصیل و اثبات این دو امر است:

الف) جبران ضعف سندی روایات با کثرت طرق نقل:

اسناد روایات دال بر نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع) - غیر از سندی که در فصل بعد خواهد آمد - ، به طرق متعدد، در نقطه نهایی خویش به امام سجاد و صادقین علیهم السلام، زید بن ارقم، ابن عباس، طاووس بن کیسان، سعید بن جبیر و اصبع بن نباته منتهی می شوند. اسناد مزبور عبارتند از:

۱- اسناد روایات معصومان (ع):

الف: « أبو أحمد عبد العزيز بن يحيى الجلودی و أبو عبد الله محمد بن زكرياء البصری قالوا : حدثنا الحسن بن مهران ، قال :

حدثنا سلمة بن خالد، عن الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه (عليه السلام) .» (ابن بابویه، *امالی*، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۰)

ب: « حدثنا فرات بن إبراهيم الكوفی قال : حدثنا محمد بن إبراهيم بن زكريا الغطفانی قال : حدثني أبو الحسن هاشم بن

أحمد بن معاوية عن محمد بن بحر عن روح بن عبد الله عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده .» (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق،

ص ۵۱۹)

ج: « علی بن ابراهیم قمی عن ابیه عن عبد الله بن میمون القداح عن ابی عبد الله (ع) .» (قمی، ۱۴۰۴ق، ۳۹۸/۲)

د: «حدثنا أحمد بن الحسن القطان قال : حدثنا عبد الرحمن بن محمد الحسنی قال : حدثنا أبو جعفر محمد بن حفص الخثعمی قال : حدثنا الحسن بن عبد الواحد قال : حدثني أحمد بن تغلبی قال : حدثني أحمد بن عبد الحميد قال : حدثني حفص ابن منصور العطار قال : حدثنا أبو سعيد الوراق ، عن أبيه ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن جده عليهم السلام». (ابن بابويه، *خصال*، بی تا، ص ۵۴۸)

از میان این اسناد، سند نخست به دلیل مجهول الحال بودن حسن بن مهران و سلمه بن خالد، و سند دوم به دلیل ناشناخته بودن محمد بن ابراهیم، هاشم بن احمد، محمد بن بحر و روح بن عبدالله ضعیف تلقی می شوند. سند سوم نیز، گرچه تا علی بن ابراهیم صحیح است، اما به دلیل مجهول الحال بودن واسطه بین او و نسل های بعد ضعیف به شمار می آید. زیرا تفسیر علی بن ابراهیم، نگاشته خود او نیست و توسط کسی گردآوری شده که وضعیت آن بر رجال شناسان مجهول می باشد. سند پایانی نیز، همه روایات آن تا امام صادق (ع) جز احمد بن تغلبی در منابع رجالی ناشناخته اند.

۲- اسناد روایات ابن عباس:

الف) طریق مجاهد:

۱- «حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق حدثنا أبو أحمد عبد العزيز بن يحيى الجلودى البصرى، حدثنا محمد بن زكريا حدثنا شعيب بن واقد» (محمد بن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲ق، ۱۷۸/۱؛ ابن بابویه، *امالی*، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۰) و «قال الشيخ أبو محمد الحسن بن أحمد بن محمد بن علي الشيباني العدل: أخبرنا أبو حامد أحمد بن محمد بن الحسن بن الشرفى، حدثنا أبو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب الخوارزمي حدثنا أحمد بن حماد المروزي، حدثنا محبوب بن حميد القصرى» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۹۹/۱۰؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۶): حدثنا القاسم بن بهرام عن ليث ، عن مجاهد ، عن ابن عباس». از رجال این سند، شعيب بن واقد، عبد الله بن محمد بن عبد الوهاب و محبوب بن حميد، مجهول الحال و قاسم بن بهرام (ابن حجر، *لسان الميزان*، ۱۹۷۱م، ۴/۴۵۸؛ ذهبی، *ميزان الاعتدال*، ۱۳۸۲ق، ۴/۵۸۳) و ليث بن ابی سليم (عقیلی، ۱۴۱۸ق، ۴/۱۷-۱۴؛ ابن حجر، *تقريب التهذيب*، ۱۹۵۵ق، ۲/۴۸) ضعیف تلقی می شوند. وثاقت یا ضعف احمد بن حماد نیز مورد اختلاف است. (علامه حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۳ق، ۲/۱۱۱-۱۱۳؛ ذهبی، *ميزان الاعتدال*، ۱۳۸۲ق، ۱/۹۴)^۱

ب) طریق ابو صالح:

۱- « قال الثعلبي: اخبرنا عبد الله بن حامد، أخبرنا أبو محمد أحمد بن عبد الله المزني، حدثنا أبو الحسن محمد بن أحمد بن سهيل بن علي بن مهران الباهلي، حدثنا أبو مسعود عبد الرحمان بن فهد بن هلال، حدثني القاسم بن يحيى الغنوي ، عن محمد بن السائب ، عن أبي صالح عن ابن عباس». (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۱۰/۹۹)

^۱ خلاصه الاقوال، ص ۳۲۳؛ معجم رجال الحديث، ۲/۱۱۱-۱۱۳؛ ميزان الاعتدال، ۱/۹۴؛

۲- «قال الفرات في تفسيره: حدثني محمد بن أحمد بن علي الهمداني حدثنا جعفر بن محمد العلوي حدثنا محمد، عن محمد بن عبد الله بن عبيد الله بن أبي رافع عن الكلبی عن أبي صالح عن ابن عباس». (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۴۰۳/۲)

۳- «أخبرنا أبو محمد الحسن بن علي بن محمد الجوهري حدثنا أبو عبيد الله محمد بن عمران بن موسى بن عبيد المرزباني قراءة عليه حدثنا أبو الحسن علي بن محمد بن عبيد الله الحافظ حدثني الحسين بن الحكم الحبري حدثنا حسن بن حسين حدثنا حبان بن علي، عن الكلبی عن أبي صالح عن ابن عباس». (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۴۰۶/۲)

اسناد مزبور به دلیل اشتغال بر راویان ضعیفی چون محمد بن احمد بن سهیل (ابن عدی، ۱۴۰۹ق، ۶/ ۳۰۴-۳۰۳)، محمد بن سائب کلبی (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۲ق، ۷/ ۲۷۱-۲۷۰؛ ابن حبان، بی تا، ۲/ ۲۵۶-۲۵۳)، ابو صالح (ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۱۳۸۲ق، ۱/ ۲۹۶)، حسن بن حسین (ابن حجر، *لسان المیزان*، ۱۹۷۱م، ۲/ ۲۰۰-۱۹۹؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۱۳۸۲ق، ۱/ ۴۸۴-۴۸۳) و حبان بن علی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۲۵۱-۲۴۹؛ ابن حجر، *تقریب التهذیب*، ۱۹۵۵م، ۱/ ۱۸۷) و نیز، راویان مجهول الحالی نظیر محمد بن احمد بن علی همدانی و عبد الرحمان بن فهد بن هلال صحیح نمی باشند.

ج) طریق عطاء بن میسره:

۱- «قال ابو النصر (العیاشی): حدثنا أبو أحمد محمد بن أحمد بن روح الطرطوسی حدثنا محمد بن خالد العباسی حدثنا إسحاق بن نجیح، عن عطاء - بن میسره ابی مسلم مرسلًا - : عن ابن عباس». (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۴۰۳/۲)

۲- «قال الحاكم في شواهد التنزيل: أخبرني أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني كتابه أخبرنا سليمان بن أحمد الطبراني حدثنا بكر بن سهل الدميطي أخبرنا عبد الغني بن سعيد، عن موسى بن عبد الرحمان، عن ابن جريج، عن عطاء عن ابن عباس». (همان، ۴۰۵/۲)

در منابع رجالی اسحاق بن نجیح (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۲ق، ۲/ ۲۳۶-۲۳۵)، بكر بن سهل (ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۱/ ۳۴۶-۳۴۵؛ همو، *سیر اعلام النبلاء*، ۱۹۹۳م، ۱۳/ ۴۲۷-۴۲۵) و موسی بن عبد الرحمان (ابن حبان، بی تا، ۲/ ۲۴۲) تضعیف شده اند و وثاقت محمد بن احمد بن روح و محمد بن خالد عباسی نیز معلوم نیست. لذا اسناد مزبور، ضعیف تلقی می شوند.

د) طریق ضحاک بن مزاحم:

۱- «قال ابن مردويه: حدثنا محمد بن أحمد بن سالم، حدثني إبراهيم بن أبي طالب النيشابوري، حدثنا محمد بن النعمان بن شبل، حدثنا يحيى بن أبي زوق الهمداني، عن أبيه، عن الضحاک، عن ابن عباس». (ابن مردويه، ۱۴۲۴ق، ص ۳۴۱)

سند مزبور، نه تنها به دلیل ضعیف بودن یحیی بن ابی زوق همدانی (ابن حجر، *لسان المیزان*، ۱۹۷۱م، ۶/ ۲۵۳؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ۱۳۸۲ق، ۴/ ۳۷۴) و نیز مجهول بودن محمد بن نعمان، بلکه به دلیل انقطاع در سند غیر قابل اعتماد است، زیرا واسطه میان ابن عباس و ضحاک بر ما آشکار نیست.

هـ) طریق ابو کثیر الزبیری:

۱- «محمد بن العباس قال: حدثنا محمد بن احمد - ابي الثلج - الكاتب عن الحسن بن - محمد - بهرام، عن عثمان بن أبي شيبة عن وكيع عن المسعودي عن عمرو بن مرة عن عبد الله بن الحارث المكتب عن أبي كثير الزبيدي عن عبد الله بن العباس». (حسيني، ۱۳۶۶ق، ۷۵۰/۲)

از رجال این سند، به جز حسن بن بهرام که مجهول است، سایرین در منابع رجالی توثیق شده اند؛ اما حتی مجهول بودن یک راوی نیز به ضعف سند می انجامد.

۳- اسناد روایات زید بن ارقم:

۱- «قال الحاكم في شواهد التنزيل: أخبرنا أبو القاسم القرشي والحاكم، قالوا: أخبرنا أبو القاسم الماسرجسي حدثنا أبو العباس محمد بن يونس الكديمي حدثنا حماد بن عيسى الجهني حدثنا النهاس بن قهم عن القاسم بن عوف الشيباني: عن زيد بن أرقم». (محمد بن سليمان كوفي، ۱۴۱۲ق، ۵۸/۱)

در سلسله راویان این سند، محمد بن یونس در نزد کسانی چون احمد بن حنبل و شافعی، ثقه و حسن الحدیث و در نزد برخی دیگر، به دلیل نقل روایات غریب و منکر، ضعیف شناخته شده است. (ذهبی، تذکره الحفاظ، بی تا، ۲/ ۶۱۹-۶۱۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴/ ۲۱۱-۲۰۶) نیز ضعف قاسم بن عوف در بین رجال شناسان مورد اختلاف (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۲ق، ۷/ ۱۱۵-۱۱۴)، اما ضعف نهاس بن قهم امری مورد اتفاق و یقینی است. (همان، ۵۱۱-۵۱۰)

با توجه به این که حماد بن عیسی از اصحاب اجماع می باشد، اگر قائل به این دیدگاه شویم که در بررسی روایات، صرف صحت سند تا اصحاب اجماع کافی است و نیازی به بررسی ادامه سند نمی باشد، و نیز، اگر درباره محمد بن یونس، توثیق ابن حنبل و شافعی را بپذیریم، سند مزبور صحیح است. اما از آن جا که چنین تعریفی از اصحاب اجماع در نزد بزرگان رجالی پذیرفته نیست (خوئی، ۱۴۱۳ق، ۱/ ۶۱-۵۷؛ سبحانی، ص ۱۹۶) و صحت سند تا آن ها، ما را از بررسی ادامه رجال سند بی نیاز نمی سازد، ضعف نهاس بن قهم به ضعف سند می انجامد.

۴- اسناد روایت طاووس بن کیسان:

۱- «قال ابن مغزلي: أخبرنا أبو طاهر محمد بن علي بن محمد البيهقي، أنبأنا أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عبد الله بن خالد الكاتب، حدثنا أحمد بن جعفر بن محمد بن سالم الختلي، حدثني عمر بن أحمد، قال: قرأت علي أمي فاطمة بنت محمد بن شعيب بن أبي مدین الزیات، قالت: سمعت أباك أحمد بن روح يقول: حدثني موسى بن بهلول، حدثنا محمد بن مروان - بن عبد الله بن اسماعيل الكوفي البصري السدي -، عن ليث بن أبي سليم: عن طاووس». (ابن مغزلي، بی تا، ص ۲۷۲)

از رجال این سند، عمر بن احمد^۱، محمد بن مروان^۲ و لیث بن ابی سلیم^۳، ضعیف و فاطمه بنت محمد بن شعیب و احمد بن روح، مجهول می باشند. هم چنین، مروی عنه طاووس، نامشخص و سند حدیث، مرسل است. نیز با توجه به این که طاووس، از بزرگان تابعان می باشد، سندی که به وی ختم شود، مقطوع نام می گیرد.

۵- اسناد روایت اصبع بن نباته:

۱- « قال ابن الجوزی: أخبرنا محمد بن ناصر ، أنبأنا أبو عبد الله بن أبي نصر الحمیدی أنبأنا أبو علی الحسن بن عبد الرحمن بن البیع ، أنبأنا أبو القاسم عبید الله بن محمد السقطی ، أنبأنا عثمان بن أحمد الدقاق، أنبأنا عبد الله بن ثابت ، حدثنا أبي (ثابت بن يعقوب)، عن الهذيل بن حبيب و أبي عبد الله السمرقندی عن محمد بن كثير الكوفی عن الأصبع بن نباته^۴. »
۲- « قال الحاكم في شواهد التنزيل: أخبرنا عقيل (بن الحسين النسوی) أخبرنا علي بن الحسين (بن قیده) حدثنا (ابو بكر) محمد بن عبید الله حدثنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماك، حدثنا عبد الله بن ثابت المقرئ قال : حدثني أبي (ثابت بن يعقوب)، عن الهذيل ، عن مقاتل ، عن الأصبع بن نباته^۵. »
اسناد مزبور به دلیل مجهول الحال بودن عبد الله بن ثابت مقرئ و پدرش (ثابت بن يعقوب)، ابو عبد الله سمرقندی و هذیل بن حبيب، و نیز به دلیل مورد اختلاف بودن وثاقت محمد بن كثير^۶ و ضعیف بودن علی بن حسین^۷، و هم چنین به دلیل نا مشخص بودن مروی عنه اصبع بن نباته، ضعیف، مرسل و مقطوع محسوب می گردد.

۶- اسناد روایت سعید بن جبیر:

۱- « قال الحاكم في شواهد التنزيل: أخبرنا عقيل (بن الحسين النسوی) أخبرنا علي بن الحسين (بن قیده) حدثنا (ابو بكر) محمد بن عبید الله حدثنا أبو عمرو عثمان بن أحمد بن السماك، حدثنا عبد الله بن ثابت المقرئ قال : حدثني أبي (ثابت بن يعقوب)، عن الهذيل ، عن مقاتل عن سعید بن جبیر^۸. »

^۱ سولات حمزه، ص ۲۲۶.

^۲ الکامل، ۶ / ۲۶۶-۲۶۵؛ تقریب التهذیب، ۱۳۱/۲.

^۳ ضعفاء، ۴ / ۱۷-۱۴؛ تقریب التهذیب، ۴۸/۲.

^۴ الموضوعات، ۱ / ۳۹۰.

^۵ شواهد التنزيل، ۲ / ۴۰۴.

^۶ قاموس الرجال، ۳ / ۵۳۷.

^۷ میزان الاعتدال، ۳ / ۱۲۰؛ کتاب المجروحین، ۲ / ۱۱۴-۱۱۵.

^۸ شواهد التنزيل، ۲ / ۴۰۴.

در رجال این سند، علی بن حسین، عبد الله بن ثابت، پدر وی و هذیل بن حبیب، مجهول الحال و مروی عنه سعید بن جبیر، نامعلوم است. لذا سند مزبور، ضعیف، مرسل و مقطوع می باشد.

۷- اسناد روایت عامر بن واثله:

۱- « قال ابن بابویه: حدثنا أبي ، ومحمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، قالا حدثنا سعد بن عبد الله - أبي خلف الأشعري قال : حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ، عن الحكم بن - مسكين الثقفي ، عن أبي الجارود وهشام أبي ساسان وأبي طارق السراج ، عن عامر بن واثله^۱ .»

ضعف این سند به ضعیف بودن ابو الجارود^۲ و مجهول بودن هشام و ابو الطارق باز می گردد. باید دانست که گر چه این مجموعه اسناد به لحاظ ارزیابی رجال شناختی، غالباً به دلیل وجود یک یا دو راوی مجهول، بعضاً به سبب اشتغال بر برخی راویان ناموثق و یا راویانی که وثاقت یا ضعف آن ها مورد اختلاف است و ندرتاً نیز به دلیل عدم اطمینان از انتساب کتاب به مؤلف و مجهول الحال بودن حلقه وصل آن به نسل های بعد^۳، ضعیف تلقی می شوند، اما ضعف آن ها منجر به شهرت روایی است. ابن صلاح در مقدمه خویش یکی از راه های جبران ضعف سند را - مشروط به این که ضعف ناشی از کذاب بودن راوی نباشد- کثرت طرق نقل می داند.^۴ محمد ناصر البانی نیز در این باره چنین می نویسد: « مشهور در نزد بزرگان این است که یک روایت اگر به طرق متعدد روایی - هر چند ضعیف- نقل شود، قوت یافته و حجت می گردد». ^۵ این قاعده در سیره حدیث پژوهی محدثان خاصه و عامه منعکس است. چنانچه ابن حجر حتی در روایات شدید الضعف نیز، کثرت طرق نقل را جبران کننده ضعف سند می داند و معتقد است که این گونه روایات، گر چه از طریق صحیح به دست ما نرسیده اند، اما به هر حال ریشه در واقعیت دارند.^۶ هم چنین شوکانی آن گاه که به روایتی در باب آیه ۴۳ سوره نساء می رسد، ضعف سندی آن را منجر به کثرت طرق نقل می داند.^۷ همین قاعده در میان بزرگان شیعه نیز رواج دارد. به عنوان نمونه شیخ مفید، بزرگ اندیشمند مکتب حدیثی بغداد که در امر

^۱ خصال، ص ۵۵۳.

^۲ رجال نجاشی، ص ۱۷۰؛ معجم رجال الحديث، ۷/ ۱۹۰-۱۸۸، تقریب التهذیب، ۱/ ۳۲۳.

^۳ مانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی که نگاشته خود او نیست و توسط کسی گردآوری شده که وضعیت او برای رجال شناسان مجهول می باشد.

^۴ مقدمه، ص ۳۴. برای آگاهی بیشتر از این قاعده رجوع شود به: قواعد التحديث، ۱/ ۶۳.

^۵ «المشهور عند أهل العلم أن الحديث إذا جاء من طرق متعددة فإنه يتقوى بها ، ويصير حجة ، وإن كان كل طريق منها على انفراد ضعيفا...». (تمام)

(تمام المنه، ص ۳۱)

^۶ تدریب الراوی، ۱/ ۱۷۷.

^۷ نیل الاوطار، ۱/ ۱۹۹.

حدیث و قبول اخبار، جدی و سختگیر بوده و حتی حدیث واحد صحیح السند را فاقد حجیت می داند، آن گاه که به برخی اخبار پیرامون معجزات حضرت امیر (ع) می پردازد، عامل شهرت را موجب بی نیازی از بررسی سندی آن می داند.^۱ نیز، آن گاه که خطبه شقشقیه را موضوع گفتار قرار می دهد، چنین می نگارد: «خطبه مزبور که ابن عباس به نقل آن همت گماشته، مشهور تر از آن است که بخواهیم برای اثبات سند آن، خویشتن را به تکلف اندازیم».^۲ در دوره معاصر نیز می توان از علامه شعرانی نام برد که در باب اصل صدور برخی معجزات از حضرت امیر (ع) این گونه می گوید: «این روایت، به طرق متعدد نقل گردیده و ضعف اسناد آن، منجر به کثرت طرق نقل است».^۳

با توجه به آن چه پیش از این درباره شهرت روایی و تواتر معنوی اصل صدور سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع) بیان گردید، می توان گفت ضعف سندی این مجموعه روایی، حتی بنا بر مبانی حدیث پژوهی خود دانشمندان عامی مذهب، منجر به شهرت و کثرت طرق نقل است و لذا خانواده حدیثی مزبور که بررسی و ارزیابی اسنادش پیش از این گذشت، هم چنان اثبات گر فضیلتی بزرگ برای خاندان عصمت و طهارت می باشد.

ب) روایت صحیح السند و قوی المتن:

صحیح ترین سند موجود برای اثبات نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع)، سند ذیل می باشد: «قال محمد بن المشهدی فی المزار: اخبرنی بهذا الحدیث، العالم أبی جعفر محمد المعروف بابن الحمد النحوی، رفع الحدیث عن الفقیه الامام العسکری صلوات الله علیه فی شهر سنه إحدى وسبعین و خمسمائة؛ وأخبرنی الفقیه الاجل أبو الفضل شاذان بن جبرئیل القمی رضی الله عنه، عن الفقیه العماد محمد بن أبی القاسم الطبری، عن أبی علی، عن والده، عن محمد بن محمد بن النعمان، عن أبی القاسم جعفر بن قولویه، عن محمد بن یعقوب الكلینی، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن أبی القاسم بن روح وعثمان بن سعید العمری، عن أبی محمد الحسن بن علی العسکری، عن أبیه صلوات الله علیهما: ... السلام علیک یا امیر المؤمنین ... انت مطعم الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا لوجه الله لا ترید منهم جزاء و لا شکورا، و فیک انزل الله تعالی: «و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون...».^۴

توصیف رجال شناختی هر یک از رجال سند این روایت به شرح ذیل می باشد:

^۱ التذکره باصول الفقه، ص ۸.

^۲ «ومن ذلك ما رواه أهل السير واشتهر الخبر به فی العامة والخاصة حتی نظمہ الشعراء وخطب به البلغاء ورواه الفهماء ...، وشهرته یغنی عن تکلف إیراد الاسناد له». (الارشاد، ۳۳۴/۱)

^۳ «فأما خطبته علیه السلام التي رواها عنه عبد الله بن عباس فهي أشهر من أن ندل عليها وتحمّل لثبوتها». (الجمال، ص ۶۲)

^۴ «و أما - ... - هی - فمروی بطرق عديدة و... ضعف الإسناد منجبر بکثرة الطرق». (شرح اصول کافی، ۴۱۸/۶)

^۵ المزار، ص ۲۶۴.

۱- ابو عبد الله بن المشهدی:

نویسنده *مزار کبیر* ابو عبد الله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری معروف به ابن المشهدی از بزرگان علمای شیعه در قرن ششم می باشد و کتاب مزار از قدیمی ترین منابع ادعیه و زیارات است که سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب *مصباح الزائر* و برادرش سید عبد الکریم بن طاووس در کتاب *فرحه الغری* به آن سخت اعتماد نموده و روایات زیادی را از آن نقل نموده اند.

نیز از متأخران، علامه مجلسی در *بحار الانوار* بدان اعتماد نموده و آن را مزار کبیر نامیده است. علو مرتبت و رفعت منزلت این عالم فرزانه در علم و عمل، از تعظیم و تکریم دانشوران بزرگ شیعه نسبت به وی کاملاً روشن می گردد. شیخ حر عاملی در وصف او گفته است: «کان فاضلاً محدثاً صدوقاً له کتب یروی عن شاذان...»^۱ شهید اول نیز، در اجازه خویش به شیخ شمس الدین، از ابن مشهدی این گونه یاد می کند: «الشیخ الإمام السعید ابو عبد الله بن المشهدی»^۲.

از اجازه شیخ حسن صاحب معالم، فرزند شیخ زین الدین شهید ثانی که شخصیتی است نقاد و کتاب مهم منتقی الجمان را در تفکیک حدیث شیعه به انواع صحیح، ضعیف و ... نگاشته است، چنین بر می آید که ابن مشهدی کتاب های متعددی داشته است. متن بیان وی در این خصوص چنین می باشد: «و بالاسناد عن الشیخ نجیب الدین محمد عن الشیخ السعید ابی عبد الله محمد بن جعفر المشهدی الحائری جمیع کتبه و روایاته»^۳. ملاحظه می شود که در این اجازه از همه مصنفات و منقولات روایی ابن مشهدی سخن رفته است. افزون بر این، از اجازه مزبور چنین استفاده می شود که مؤلف مزار کبیر در همان سنین جوانی اهل علم و فضل بوده است، زیرا شیخ حسن از نجم الدین بن نما و او از پدرش چنین نقل می کند که ابن مشهدی کتاب شریف *المقنعه* اثر شیخ مفید را پیش از بیست سالگی بر ابی منصور محمد بن حسن بن منصور نقاش موصلی قرائت نموده است.^۴

۲- ابو الفضل شاذان بن جبرئیل قمی:

ابن مشهدی در این سند از شاذان بن جبرئیل به «الفقیه الاجل» تعبیر نموده^۵ و شیخ حرّ عاملی در *امل الامل* درباره شاذان آورده است: «الشیخ الجلیل الثقه، کان عالماً فاضلاً فقیهاً عظیم الشأن جلیل القدر، له کتب»^۱.

^۱ امل الامل، ۲/۲۵۳.

^۲ بحار الانوار، ۱۰۴/۱۹۷.

^۳ همان، ۲۱/۱۰۶.

^۴ همان، ۴۴/۱۰۶.

^۵ المزار، ص ۲۶۳.

۳- محمد بن ابی القاسم الطبری:

شیخ منتجب الدین در فهرست خویش از او با عنوان «الشیخ الامام عماد الدین فقیه ثقه»^۲ یاد نموده و شیخ حرّ عاملی درباره وی چنین می نویسد: «هو ثقه جلیل القدر محدث له کتب»^۳.

۴- ابو علی:

ابو علی کنیه حسن بن محمد بن حسن طوسی، فرزند شایسته شیخ طوسی است. شیخ منتجب الدین در فهرست خویش نسبت به وی می نویسد:

«الشیخ الجلیل فقیه عین ثقه، قرء علی والده جمیع تصانیفه»^۴. هم چنین شیخ حر عاملی او را چنین می ستاید: «کان عالماً فاضلاً فقیها محدثاً جلیلاً ثقه له کتب»^۵. وی پس از پدر، زعامت شیعیان نجف را بر عهده گرفت و به لقب «مفید دوم» ملقب گردید.^۶

۵- شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی:

موقعیت برجسته و ممتاز شیخ طوسی چنان بوده است که نجاشی وی را با عبارت «جلیل فی اصحابنا ثقه عین»^۷، توصیف و علامه حلی او را با وصف «شیخ الامامیه و وجههم و رئیس الطائفه جلیل القدر عظیم المنزله ثقه صدوق و جمیع الفضائل منتسب الیه» معرفی می سازد.^۸

از توفیقات برتر و امتیازات شیخ طوسی، تنقیح و تهذیب اعتقادات شیعه در اصول و فروع و نگارش دو کتاب شریف تهذیب و استبصار می باشد.

۶- محمد بن محمد بن نعمان:

شیخ مفید از متکلمان برجسته امامیه به شمار می رود که در حیات نورانی اش ریاست طایفه شیعه به او منتهی شد و در دانش دین و فقهت، بر همه دانشمندان پیشی گرفت، تا جایی که نه تنها رجال شناسان شیعه چون

^۱ امل الآمل، ۱۳۰/۲.

^۲ فهرست منتجب الدین، ص ۱۰۷.

^۳ امل الآمل، ۷۶/۲.

^۴ فهرست منتجب الدین، ص ۴۶.

^۵ امل الآمل، ۷۶/۲.

^۶ الذریعه، ۴۲۸/۱.

^۷ رجال نجاشی، ص ۴۰۳.

^۸ خلاصه الاقوال، ص ۲۴۸.

نجاشی درباره وی چنین نگاشته اند: «شیخنا و استاذنا رضی الله عنه فضله اشهر من ان یوصف فی الفقه و الکلام و الروایه و الثقه و العلم، له کتب»؛^۱ بلکه اندیشمندان عامه نیز از مدح وی فرو گذار نکرده اند.^۲

۷- ابو القاسم جعفر بن قولویه:

به حکایت تاریخ دانان و رجال شناسانی چون نجاشی، ابن قولویه از بزرگان شیعه و ثقات امامیه است: «کان ابن قولویه من ثقات اصحابنا و اجلائهم فی الحدیث و الفقه و کل ما یوصف به الناس من جمیل فهو فوقه، له کتب حسان».^۳ ابن حجر نیز او را از فقها و بزرگان شیعه در عهد خویش معرفی نموده است.^۴

۸- محمد بن یعقوب الکلینی:

شیخ کلینی مولف کتاب کافی، زعیم شیعه در عهد خود بوده و نجاشی شأن او را چنین ستوده است: «کان اوثق الناس فی الحدیث و اثبتهم، صنّف الکتاب الکبیر یسمی الکافی فی عشرين سنه».^۵

۹- علی بن ابراهیم:

علی بن ابراهیم از روایث ثقه و بزرگان امامیه است که در حق او چنین گفته اند: «ثقه فی الحدیث ثبت معتمد».^۶

۱۰- ابراهیم بن هاشم قمی:

وی اصالتاً کوفی و از رجال کامل الزیارات است که به قم مهاجرت نمود و ۶۴۱۴ حدیث از احادیث کتب اربعه، از وی روایت شده است.^۷ رجال شناسان در وصف وی چنین گفته اند: «انه اول من نشر حدیث الکوفیین

^۱ رجال نجاشی، ص ۴۰۰.

^۲ به عنوان مثال، ذهبی می نویسد: «الشیخ المفید: عالم الرافضة، صاحب التصانیف، الشیخ المفید، واسمه: محمد ابن محمد بن النعمان، البغدادی الشیعی، و یعرف بابن المعلم. کان صاحب فنون و بحوث و کلام، و اعترال و أدب. ذکره ابن ابی طی فی "تاریخ الامامیه"، فأطنب وأسهب، وقال: کان أوحده فی جمیع فنون العلم: الاصلین، والفقه، والاحبار، و معرفة الرجال، والتفسیر، والنحو، والشعر. وکان یناظر أهل کل عقیده مع العظمة فی الدولة البویهیه، و الرتبة الجسیمه عند الخلفاء، وکان قوی النفس، کثیر البر، عظیم الخشوع، کثیر الصلاة والصوم، یلبس الخشن من الثیاب، وکان مدیماً للمطالعة و التعلیم، و من أحفظ الناس، قیل: إنه ما ترک للمخالفین کتاباً إلا وحفظه، و بهذا قدر علی حل شبه القوم، وکان من أحرص الناس علی التعلیم ...». (سیر اعلام النبلاء، ۱۷/۳۴۴)

^۳ همان، ص ۱۲۳.

^۴ لسان المیزان، ۱۲۵/۲.

^۵ رجال نجاشی، ص ۳۷۷.

^۶ رجال ابن داوود، ص ۱۳۵.

^۷ موسوعه مولفی الامامیه، ۴۳۶/۱.

الكوفيين بقم، له كتب»^۱. سید بحر العلوم درباره وجه دلالت این عبارت بر وثاقت ابراهیم این گونه می نویسد: « با توجه به سیره مکتب حدیثی قم در پذیرش اخبار و تسریع آن در جرح و سخت گیری آن در تعدیل راویان معلوم می گردد که اگر ابراهیم بن هاشم در نزد محدثان قم ثقه نبود، حدیثش را نپذیرفته و او را طرد می کردند. لذا توصیف وی با عبارت «اول من نشر حدیث الكوفيين بقم» از جایگاه و شخصیت والای او حکایت می کند.^۲ از همین روست که میرداماد نیز، توصیف ابراهیم بن هاشم را به عنوان نخستین نشر دهنده حدیث کوفیان در قم، نشانه حسن و مقبولیت نامبرده دانسته است.^۳

۱۱- ابو القاسم حسین بن روح بن ابی بحر النوبختی:

وی سومین سفیر از سفرای چهار گانه حضرت بقیه الله (عج) در غیبت صغری می باشد. شیخ طوسی در کتاب غیبت، درباره او چنین می نگارد: «کان من اعقل الناس عند المخالف و الموافق»^۴. محمد بن عثمان وی را به عنوان جانشین خویش و سومین نائب حضرت معرفی ساخته و فرموده است: «هذا ابو القاسم الحسين بن روح بن ابی بحر النوبختی، القائم مقامی و السفير بینکم و بین صاحب الامر، و الوکیل و الثقة الامین»^۵.

۱۲- عثمان بن سعید:

عثمان بن سعید، سفیر نخست حضرت صاحب الامر و از خدمتگزاران حضرت هادی (ع) بوده است. در شأن والای او همین بس که حضرت عسگری (ع) در حق وی فرمود: «هذا أبو عمرو الثقة الامین ثقة الماضي وثقتی فی المحیا»^۶. بنا بر این سخن، دیگر نیازی به اثبات وثاقت وی نیست.

همان گونه که مشاهده می گردد، سند این روایت در کمال صحت و اعتبار است و اهل روایت و درایت، بر وثاقت، صداقت و عدالت راویان آن گواهی داده اند. محدث نوری درباره این سند چنین می نویسد: «هذا سند

^۱ رجال نجاشی، ص ۱۶.

^۲ «تلقى القميين من أصحابنا أحاديثه بالقبول، إلا أن العمدة فيه ملاحظة أحوال القميين، وطريقتهم في الجرح والتعديل، وتضييقهم أمر العدالة، وتسرعهم إلى القدح والجرح والهجر والاخراج بأدنى ريبة كما يظهر من استثنائهم كثيرا من رجال نوادر الحكمة، وطعنهم في يونس بن عبد الرحمن مع جلالته وعظم منزلته، وإبعادهم لأحمد بن محمد بن خالد من قم لروايته عن المجاهيل واعتماده على المراسيل، وغير ذلك مما يعلم بتتبع الرجال. فلو لا أن إبراهيم بن هاشم عندهم بمكان من الثقة والاعتماد لما سلم من طعنهم وغمزهم بمقتضى العادة، ولم يتمكن من نشر الأحاديث التي لم يعرفوها إلا من جهته في بلده». (فوائد الرجالیه، ۴۶۴/۱).

^۳ الرواشح السماویه، ص ۸۲.

^۴ الغيبة، ۳۹۴/۱.

^۵ خلاصه الاقوال، ص ۴۳۲.

^۶ الغيبة، ۳۶۴/۱.

لا يوجد نظيره في الصحّة»^۱. هم چنین این روایت، به لحاظ مضمونی نیز از ایراد هایی که برخی چون ابن جوزی بر دیگر روایات رسیده در این مقام وارد ساخته اند، مبراست و اصل نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع) را با کوتاه ترین و صریح ترین عبارت، این گونه بیان می دارد: «- یا امیر المومنین - انت مطعم الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً لوجه الله، لا ترید منهم جزاء و لا شکوراً».

دفع یک اشکال محتمل:

ممکن است این اشکال وارد شود که قول راویان شیعه تنها برای خود آن ها معتبر است و ضرورتی ندارد سایر مسلمانان آن را بپذیرند. برای پاسخ به این اشکال باید دانست که بنابر معیار بسیاری از حدیث پژوهان عامه چون شافعی، آن چه در صحت یک حدیث دخیل می باشد، صدق و ضبط راوی است و مذهب او هیچ دخالتی در پذیرش یا عدم پذیرش حدیث وی ندارد.^۲ بغوی در این باره می نویسد: «اکثر محدثان، روایات اهل بدعت را چنانچه در گفتار صادق باشند، می پذیرند. چنانچه بخاری از فردی به نام عباد بن یعقوب روایت می کند که به نقل محمد بن اسحاق بن خزیمه، در گفتار، صادق و در مذهب، منحرف است».^۳ نیز، ابن حجر تنها روایات فردی را نمی پذیرد که منکر یکی از ضروریات دین باشد؛ در غیر این صورت هر فردی از هر مذهبی که راستگوی در کلام و اهل تقوی و ورع باشد، روایتش پذیرفته است.^۴ در همین راستا، سیوطی نام راویانی که از اهل سنت نیستند، لیکن بخاری در صحیح خود از آن ها روایت نموده، گرد آورده است.^۵ لذا حتی اگر رجال راوی این روایت را که بزرگان اهل سنت چون ذهبی، به علو قدر و رفعت منزلت برخی از آن ها معترفند، به مصداق «کل حزب بما لدیهم فرحون»^۶، مبتدع بخوانند، باز از اصالت و حجیت روایت مذکور در اثبات اصل نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت (ع) چیزی کاسته نمی شود

۴- اختلاف نظر در میان صاحب نظران اهل سنت:

^۱ خاتمه المستدرک، ۳۶۲/۱.

^۲ مقدمه، ص ۹۱-۹۰؛ ثمرات النظر، ۹۰/۱-۶۰.

^۳ «اختلفوا فی روایه المبتدعه وأهل الأهواء قبلها أكثر أهل الحدیث إذا كانوا فیها صادقین فقد حدث محمد بن إسماعیل عن عباد بن یعقوب الرواجنی . وكان محمد بن إسحاق بن خزیمة یقول : حدثنا الصدوق فی روایته المتهم فی دینه عباد بن یعقوب» . (المنهاج، ۶۱/۱)

^۴ «والتحقیق أنه لا یرد کل مکفر بدعته لأن کل طائفة تدعی أن مخالفیها مبتدعة وقد تبالع فتکفر مخالفیها فلو أخذ ذلك علی الإطلاق لاستلزم تکفیر جمیع الطوائف . فالمعتمد أن الذی ترد روایته من أنکر أمراً متواتراً من الشرع معلوماً من الدین بالضرورة وكذا من اعتقد عکسه . فأما من لم یکن بهذه الصفة وانضم إلی ذلك ضبطه لما یرویه مع ورعه وتقواه فلا مانع من قبوله» . (نزهة النظر، ۲۶/۱)

^۵ تدرب الراوی، ۳۲۹/۱-۳۲۸.

^۶ روم/۵۳.

مجموع دانستن این دسته از روایات و اصل فضیلت مزبور، در بین خودِ علمای عامه نیز بی جواب نمانده و برخی از بزرگان اهل سنت، به این گفتارها پاسخ گفته اند.

خود ابن جوزی نخستین کسی است که به نقض گفتار خویش پرداخته و علی رغم این که در کتاب موضوعات، این روایات را از مجعولات شیعه دانسته، در کتاب تبصره اش در وصف اهل بیت (ع) چنین سروده است: «دلّم در هوای ولایت علی می تپد و ایمانم محبت اوست... اگر مناقب علی را نشنیده ای، فضائلش را در سوره هل اتی جستجو کن که همین یک فضیلت برای وی کفایت می کند»^۱.

از دیگر کسانی که به نقد گفتار ابن جوزی در کتاب «الموضوعات» پرداخته اند، نوه وی، معروف به سبط ابن جوزی است که در پاسخ به جدش، می نویسد: «اگر گفته شود این روایت را جدّ تو در کتاب موضوعاتش آورده و درباره آن گفته است: «اشعار منسوب به اهل بیت (ع) در این روایت، اشعاری عاری از فصاحت است که با شان ایشان سازگار نیست. نیز بعید است که حضرت امیر و فاطمه زهرا (علیهما السلام) اطفال خردسال خویش را از طعام بازدارند. هم چنین در سند آن اصیغ بن نباته قرار دارد که به لحاظ رجالی متروک الحدیث است». در پاسخ می گوئیم:

اولاً این گونه نحوه بیان در اشعار رجز گونه معمول است و ایرادی متوجه ابیات مزبور نیست.

ثانیاً ما همین روایت را با سندی غیر از طریق اصیغ نقل نمودیم و لذا مشکل سند نیز مرتفع می شود.

ثالثاً تعجب است از ابن جوزی که علی رغم انکار این روایت در کتاب الموضوعات، در منتخب خویش این گونه می نگارد: «هان ای بزرگان دین. آیا هیچ می دانید علی و فاطمه (ع) از چه رو نیازمندان را بر اطفال گرسنه خویش ترجیح دادند؟ آیا گمان می کنید که آن ها روایت «ابدأ بمن تعول» را نشنیده بودند؟ نه چنین است. بلکه این از آن روست که آن دو بزرگوار از درجه والای صبر و تحمل حسنین (ع)، این دو ثمره شاخسار نبوی و دو بضعه شجره فاطمی آگاه بودند...»^۲.

آلوسی از دیگر شخصیت های اهل سنت است که به نقد گفتار ابن جوزی پرداخته و ردّ اصل این فضیلت را نپذیرفته است. وی در تفسیر روح المعانی پس از ذکر روایت نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع) به سخن ابن جوزی در «الموضوعات» می پردازد و در پاسخ بدان می گوید: «چگونه است که ابن جوزی، خود در کتاب تبصره اش همین روایت را ذکر نموده و آن را مجعول ندانسته است؟... بنابراین احتمال نزول این سوره در شان اهل بیت (ع) هم چنان مطرح است... و حتی اگر به این احتمال گردن ننهیم، باز چیزی از قدر و منزلت آن ها کاسته نمی شود. زیرا دخول آن بزرگواران در زمره ابرار، مسلم و بلکه اولی است. به راستی چه

^۱ «أهوی علیاً وایمانی محبتہ، کم مشرک دمه من سیفہ وکفا * إن کنت ویحک لم تسمع مناقبه، فاسمع مناقبه من هل أتى وکفی». (التبصره، ۴۰۱/۱).

^۲ تذکره الخواص، ص ۳۱۵.

کسی سزاوار تر به این آیات از علی مولی المومنین، فاطمه، بضعه پیامبر و حسنین (ع) - سید جوانان بهشت -؟ و این اعتقاد، نه رفض، که هر چه جز آن گمراهی است: «أنا عبد الحق لا عبد الهوی * لعن الله الهوی فیمن لعن». اگر فضیلت سوره هل اتی را برای اهل بیت (ع) ثابت بدانیم، نکته لطیفی ظهور می یابد و آن این که خداوند در این سوره به دلیل رعایت حرمت فاطمی، از حور العین یاد نمی کند.^۱

افزون بر موارد فوق که صراحتاً به نقد گفتار ابن جوزی پرداخته اند، اشعار و گفتار دیگر بزرگان عامه، خود، گواهی است بر تایید صحت اصل نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع) و شاهدی است بر بطلان گفتار کسانی چون ابن جوزی که اصل فضیلت نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع) را ساخته شیعیان و اسطوره ای بی اساس می دانند. ذیلاً به نمونه هایی چند از این سخنان اشاره می شود:

- حموی خراسانی، صاحب کتاب «فراند السمطین»: وی در کتاب گرانقدر خویش، پیش از نقل روایت، درباره نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع) می نویسد: «این فضیلتی است که حتی دشمنان خفاش صفت نیز ناگزیر از نقل آن گردیده اند و شب های تاریک همواره از فروغ آن نور می گیرند».^۲

- حاکم حسکانی: وی در مقدمه کتاب «شواهد التنزیل»، معلوم می دارد که اساساً آن چه موجب نگارش این اثر گردیده، دفاع از فضائل اهل بیت (ع)، به ویژه فضیلت سوره هل اتی است که توسط عده ای نابخرد، این گونه زیر سوال رفته بود: «لم یقل أحد من المفسرین أنه نزل فی علی وأهل بیته سوره هل اتی ولا شیء سواها من القرآن». از همین رو، وی با هدف پاک سازی چهره حق از تقار عداوت ها، به اثبات فضائل اهل بیت همت گماشته است: «فرأیت من الحسبه دفع هذه الشبهه عن الأصحاب وبادرت إلی جمع هذا الكتاب ... و سمیته بشواهد التنزیل لقواعد التفضیل».^۳

- ابو جعفر اسکافی: وی که از عالمان بزرگ اهل سنت در قرن سوم است، حتی آن گاه که به مخاصمه و احتجاج با شیعه پرداخته، این فضیلت اهل بیت (ع) را نادیده نگرفته و درباره آن می گوید: «ما هرگز این را انکار نمی کنیم که حضرت امیر (ع) در راه رضای پروردگار، طعام خویش را به مسکین و یتیم و اسیر بخشید و خداوند سوره ای کامل درباره او و خانواده اش نازل فرمود».^۴

- خطیب خوارزمی: او در مناقب خویش، آن گاه که اسما و القاب حضرت امیر را بر می شمرد، از آن گرامی

^۱ روح المعانی، ۱۵۸/۲۹-۱۵۷.

^۲ فراند السمطین، ۵۳/۲.

^۳ شواهد التنزیل، ۱۹/۱.

^۴ العثمانیه، ص ۳۱۸.

با عنوان «الذی انزل فیہ هل اتی» یاد می کند^۱ و در جای دیگر، در شان حضرت چنین می سراید: «همانا علی (ع)، پیشوای اوصیاء و سرور ابوبکر و عمر است. ... آیا سوره هل اتی در مدح کسی جز او و نذر خالصانه اش فرود آمده است؟»^۲

● ابن طلحه فقیه شافعی: «در عبادت علی همین عبادت و در مناقب وی همین منقبت کفایت می کند که طعامش را علی رغم احتیاج، در راه رضای خدا اطعام نمود. از همین روست که این واقعه، جایگاهی عظیم و ماندگار یافته و خداوند در پی آن آیات قرآن را نازل فرموده است. به راستی که این خاندان، برای کسی که بدان ها چنگ زند، عروه الوثقای حق اند و مناقب ایشان در کلام وحی بیان گردیده است. مناقبی که سور شوری، هل اتی و احزاب آن ها را برای مردمان به تصویر می کشند»^۳. نیز: «گوش بسپار تا مدح امام هدایتگر را از زبان آیات الهی بشنوی. ... آیات سوره احزاب، تحریم و هل اتی که ثنای وی گفته و مدح او می گویند»^۴.

● اقبال لاهوری: «همسر فاطمه، فردی است که تاج فضیلت سوره هل اتی را بر سر دارد؛ فضیلتی که در پرتو آن، خورشید رنگ می بازد»^۵.

● بوصیری: «خواستم زبان به مدح شما بگشایم که دیدم کتاب الهی برای مدح شما کفایت می کند. چه بسیار فضائل و کراماتی که سوره هل اتی از شما خاندان برایم به تصویر کشیده است»^۶.

نتیجه:

اصل نزول سوره هل اتی در شان اهل بیت (ع)، مسئله ای است که در طول تاریخ، منابع عامه همگام با منابع شیعی به نقل آن همت گماشته اند. نیز، شهرت روایی و تواتر معنوی این قضیه که حاصل کثرت روایات آن در

^۱ المناقب خوارزمی، ص ۴۳.

^۲ «ان علیا سید الاوصیاء، مولى ابی بکر و مولى عمر* ... وهل اتی مدح فتی هل اتی، لغيره فی هل اتی إذ نذر». (مناقب آل ابی طالب، ۲/۲۶۶)

^۳ «فکفی بهذه عبادة، ویاطعام هذا الطعام مع شدة حاجتهم إليه منقبة، ولولا ذلك لما عظمت هذه القصة شانا، وعلت مکانا، ولما أنزل الله تعالی فیها علی رسول الله قرآنا: هم العروة الوثقی لمعتصم بها، مناقبهم جاءت بوحي وإنزال* مناقب فی الشوری وسورة هل اتی، وفي سورة الأحزاب يعرفها التالی». (مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۴۰)

^۴ «اصح و استمع آیات وحی تنزلت، بمدح امام بالهدی خصه الله* و فی آل عمران المباهله التی، بانزالها اولاه بعض مزایاه و احزاب حمیم و تحریم و هل اتی، شهود بها اثنی علیه و زکاه». (همان، ص ۱۱۸)

^۵ «ولزوج فاطمة بسورة هل اتی، تاج يفوق الشمس عند ضحاها».

^۶ «وأنتم أناس أذهب الرجس عنهم، فليس لهم خطب وإن جلَّ جاهد* وقدت علیکم بالمديح وكلکم، علیه کتاب الله بالمدح وافد* وقد بینت لی هل اتی کم اتی بها، مکارم أخلاق لکم و محامد». (جميع دواوين الشعر العربي علی مآل العصور، ۸/۳۶۱)

هر طبقه است، می تواند ما را از بررسی سندی آن مستغنی می سازد. گر چه پرداختن به ارزیابی سندی آن، اصلتش را بیش از پیش برای ما به تصویر خواهد کشید، زیرا:

اولاً روایت صحیح السند و عالی المضمونی در دست است که از همه اشکالات سندی و محتوایی، عاری و خود، به تنهایی برای اثبات این فضیلت بسنده است.

ثانیاً روایت صحیح مزبور، معتضد به روایات بسیار است که گر چه سند آن ها به لحاظ ارزیابی های اولیه رجالی ضعیف به نظر می رسد، اما بنا بر اصول علم مصطلح الحدیث در نزد عامه و خاصه، ضعف آن ها منجر به شهرت روایی است؛ به گونه ای که حتی اگر روایت صحیح مزبور نیز در دست نبود، باز این مجموعه روایی برای اثبات اصل فضیلت کفایت می نمود.

بزرگان عامه - حتی خود ابن جوزی- به این فضیلت اهل بیت (ع) اقرار ورزیده و حتی کسانی چون سبط ابن جوزی و حاکم حسکانی به دفاع از آن پرداخته اند. لذا دیگر جایی برای افتراءات ابن تیمیه و هم فکرائش که با خرده گیری بر یک نقل از این مجموعه روایی و نادیده گرفتن دیگر روایات آن، اصل واقعه را زیر سوال برده و آن را مجعول شیعیان معرفی می سازند، باقی نمی ماند.

فهرست منابع

- **الارشاد**، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شيخ مفيد، تحقيق مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، الطبعة الثانية، دار المفيد للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ١٤١٣ق.
- **الامالي**، محمد بن علي بن بابويه معروف به شيخ صدوق، تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه، الطبعة الاولى، مركز الطباعة و النشر في مؤسسه البعثه، ١٤١٧ق.
- **امل الامل**، شيخ محمد بن حسن عاملي، مكتبه الاندلس، بغداد، بي تا.
- **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**، علامه محمد باقر مجلسي، تحقيق عبد الرحيم رباني شيرازي، الطبعة الثالثه، مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.
- **البدايه و النهايه**، اسماعيل بن كثير الدمشقي، تحقيق علي شيري، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٩٨٨م.
- **تاريخ الاسلام**، ابو عبد الله شمس الدين محمد بن احمد الذهبي، تحقيق عمر عبد السلام التدمري، الطبعة الاولى، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٧ق.
- **تاريخ بغداد**، خطيب بغدادى، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة الاولى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٧ ق.
- **تاويل الايات**، علامه شرف الدين الحسيني، تحقيق مدرسه امام المهدي (عج)، الطبعة الاولى، مدرسه الامام المهدي (عج)، قم، ١٣٦٦ق.
- **التبصره**، ابو الفرج عبد الرحمان بن الجوزي، عيسى البابي الحلبي و شركاؤه، قاهره، ١٣٩٠ق.
- **تدريب الراوي** في شرح تقريب النووي، عبد الرحمان بن ابى ابكر السيوطي، تحقيق عبد الوهاب عبد اللطيف، مكتبه الرياض، رياض، بي تا.
- **تذكره الحفاظ**، ابو عبد الله شمس الدين محمد بن احمد الذهبي، دار احياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
- **تذكره الخواص**، يوسف بن فرغلي بن عبد الله الحافظ سبط بن الجوزي، مكتبه نينوى الحديثه، تهران.
- **تفسير فرات**، فرات بن ابراهيم كوفي، تحقيق محمد الكاظم، الطبعة الاولى، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزارة الثقافه و الإرشاد الإسلامى، تهران، ١٤١٠ق.
- **تفسير قمى**، ابو الحسن علي بن ابراهيم قمى، تصحيح سيد طيب جزائري، الطبعة الثالثه، مؤسسه دار الكتاب، قم، ١٤٠٤ ق.
- **تقريب التهذيب لخاتمه الحفاظ**، ابن حجر عسقلاني، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة الثانية، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٩٥٥م.
- **تمام المنه في التعليق على فقه السنه**، محمد ناصر الدين الالباني، الطبعة الثالثه، دار الرايه للنشر، ١٤٠٩ق.

- **ثمرات النظر** فى علم الاثر، محمد بن اسماعيل الامير الصنعاني، تحقيق رائد بن صبرى بن ابى علفه، الطبعه الاولى، دار العاصمه للنشر و التوزيع، الرياض، ١٤١٧ق.
- **الجرح و التعديل**، ابن ابى حاتم رازى، الطبعه الاولى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٣٧٢ق.
- **الجمال**، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شيخ مفيد، مكتبه الداورى، قم، بى تا.
- **جميع دواوين الشعر العربى على مرّ العصور** (محتويات موقع ادب).
- **خاتمه المستدرک**، ميرزا حسين نورى، تحقيق موسسه آل البيت، الطبعه الاولى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤١٥.
- **خصال**، ابن بابويه، ابو جعفر محمد بن على بن حسين مشهور به صدوق، تحقيق على اكبر غفارى، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه، قم، بى تا.
- **خلاصه الاقوال**، علامه جمال الدين حسن بن يوسف حلى، تحقيق شيخ جواد قيومى، الطبعه الأولى، مؤسسه النشر الإسلامى، قم، ١٤١٧ق. نیز چاپ دوم، نجف، ١٣٨١ق ..
- **الذريعه الى تصانيف الشيعه**، آغا بزرگ تهرانى، الطبعه الثالثه، دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٣.
- **الرواشح السماويه**، محمد باقر الحسينى الاستر آبادى معروف به مير داماد، تحقيق غلامحسين قيصره ها و نعمه الله جليلى، الطبعه الاولى، دار الحديث للطباعه و النشر، قم، ١٤٢٢ق.
- **روح المعانى**، محمد آلوسى، تحقيق على عبد البارى العطيه، الطبعه الاولى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٥ق.
- **سعد السعود**، رضى الدين ابو القاسم على بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس، منشورات الرضى، قم، ١٣٦٣.
- **سؤالات حمزه**، دار قطنى، تحقيق موفق بن عبدالله بن عبد القادر، الطبعه الاولى، مكتبه العارف، رياض، ١٤٠٤ق.
- **سير اعلام النبلاء**، ابو عبد الله شمس الدين محمد بن احمد الذهبى، تحقيق شعيب الارنؤوط و حسين الاسد، الطبعه التاسعه، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٩٩٣م.
- **شرح اصول الكافى**، ملا صالح مازندرانى، تعليق ميرزا أبو الحسن الشعرانى، الأولى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢١ق.
- **شواهد التنزيل** لقواعد التفضيل، عبيد الله بن احمد الحاكم الحسكاني، تحقيق شيخ محمد باقر محمودى، الطبعه الاولى، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامى، تهران، ١٤١١ق.
- **الضعفاء**، ابو جعفر محمد بن عمرو بن موسى العقيلى، تحقيق دكتور عبد المعطى امين قلعبجى، الطبعه الثانيه، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٨ق.
- **طرائف المقال**، سيد على بروجردى، تحقيق سيد مهدي رجائى، الطبعه الاولى، مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفى، قم، ١٤١٠ق.

- **العثمانيه**، عمرو بن بحر الجاحظ، تحقيق و شرح عبد السلام محمد هارون، دار الكتاب العربي، بيروت، بي تا.
- **العمده (عمده عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار)**، يحيى بن الحسن الاسدي الحلبي معروف به ابن البطريق، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٤٠٧ق.
- **الغدير في الكتاب و السنه و الادب**، علامه عبد الحسين احمد الاميني النجفي، الطبعة الرابعه، دار الكتب العربي، بيروت، ١٩٧٧م.
- **الغيبه**، شيخ محمد بن حسن طوسي، تحقيق شيخ عباد الله طهراني و احمد علي ناصح، الطبعة الاولى، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، ١٤١١ق.
- **فرائد السمطين**، ابراهيم بن محمد الجويني الخراساني، تحقيق شيخ محمد باقر المحمودي، الطبعة الاولى، مؤسسه المحمودي للطباعه و النشر، بيروت، ١٤٠٠ق.
- **فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي**، ابو العباس احمد بن علي الاسدي الكوفي النجاشي، تحقيق، سيد موسى شبيري الزنجاني، الطبعة الخامسه، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٤١٦ق.
- **فهرست منتجب الدين**، شيخ منتجب الدين علي بن بابويه، تحقيق محدث ارموى، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم، ١٣٥٨ش.
- **الفوائد الرجاليه**، علامه سيد محمد مهدي بحر العلوم، الطبعة الاولى، مكتبه الصادق، تهران، ١٣٦٣ق.
- **قاموس الرجال**، محمد تقى شوشترى، چاپ دوم، قم، ١٤١٠ق.
- **قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث**، جمال الدين محمد قاسمي.
- **الكامل**، ابن عدى تحقيق دكتور سهيل زكار، الطبعة الثالثه، دارالفكر، بيروت، ١٤٠٩ق.
- **كتاب الرجال**، تقى الدين حسن بن علي بن داود حلي، مطبعه الحيدريه، النجف، ١٣٩٢ق.
- **كتاب المجروحين**، محمد بن حبان، تحقيق محمود ابراهيم زايد، دار الباز، مکه مكرمه، بي تا.
- **الكشف و البيان**، ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهيم ثعلبي نيشابوري، تحقيق ابى محمد بن عاشور، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٢٢ق.
- **لسان الميزان**، ابن حجر عسقلاني، الطبعة الثانيه، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٩٧١م.
- **مجمع البيان**، فضل بن حسن طبرسي، تصحيح شيخ ابو الحسن شعراني، الطبعة الخامسه، كتابفروشى اسلاميه، تهران، ١٣٩٥ق.
- **المزار**، محمد بن المشهدى، تحقيق جواد القيومي الاصفهاني، الطبعة الاولى، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٤١٩ق.
- **مطالب السؤل في مناقب آل الرسول**، محمد بن طلحه الشافعي، تحقيق ماجد بن احمد العطييه، بي تا، بي جا، بي تا.

- **معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه**، آيه الله سيد ابوالقاسم موسوى الخويى، الطبعة الخامسة، بى نا، بى جا، ١٤١٣ق .
- **المقدمه**، عثمان بن عبد الرحمان معروف به ابن صلاح، تحقيق صلاح بن محمد بن عويضة، الطبعة الاولى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٦ق.
- **مناقب آل ابي طالب**، محمد بن على بن شهر آشوب، مطبعة الحيدريه ، النجف الاشرف ، ١٩٥٦م .
- **مناقب الامام امير المومنين (ع)**، محمد بن سليمان كوفى، تحقيق محمد باقر بهبودى، الطبعة الاولى، مجمع احياء التراث الثقافيه، قم: ١٤١٢ق.
- **مناقب على بن ابيطالب (ع)**، ابو بكر احمد بن موسى بن مردويه اصفهانى، تحقيق عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، الطبعة الثانيه، دار الحديث، قم، ١٤٢٤ق.
- **المناقب**، موفق خوارزمى، تحقيق شيخ مالك محمودى، الطبعة الثانيه، موسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤١٤ق.
- **منهاج اهل السنه**، ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تيميه الحرانى، تحقيق محمد رشاد سالم، الطبعة الاولى، موسسه قرطبه، ١٤٠٦ق.
- **المنهاج**، ابو زكريا يحيى بن شرف بن مرى النووى، الطبعة الثانيه، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٣٩٢ق.
- **موسوعه مولفى الاماميه**، مجمع الفكر الاسلامى، الطبعة الاولى، مجمع الفكر الاسلامى، قم، ١٤٢٢ق.
- **الموضوعات**، ابو الفرج عبد الرحمان بن على بن الجوزى القرشى، تحقيق عبد الرحمان محمد عثمان، الطبعة الاولى، المكتبه السلفيه، المدينه المنوره، ١٩٦٦م.
- **ميزان الاعتدال**، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق على محمد البجاوى، الطبعة الاولى، دار المعرفه، بيروت، ١٣٨٢ق.
- **نزهه النظر فى توضيح نخبه الفكر فى مصطلح اهل الاثر**، ابن حجر عسقلانى، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤٠١ق.
- **نبيل الاوطار**، محمد بن على بن محمد الشوكانى، دار الجيل، بيروت، ١٩٧٣ق.